اقتصاد کشاورزی/ جلد 3/ شماره‌ي 3/ صفحه‌هاي 90-67

بررسی میزان آسیب‌پذیري در برابر فقر در مناطق روستایی شهرستان فسا

عبدالرسول شیروانیان و محمد بخشوده*

تاریخ دریافت: 1387/5/22 تاریخ پذیرش: 1387/12/15

چکیده

توجه به ریسک و مخاطره در مباحث مربوط به فقر به طور گسترده مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است. در این ارتباط آسیب‌پذیري در برابر فقر، موضوعی است که در اولویت‌بندي ریسک‌هاي اجتماعی نامطلوب و مدیریت استراتژي ریسک از اهمیت ویژه‌اي برخوردار است. پس این مقاله به بررسی این موضوع در سطح خرد در مناطق روستایی می‌پردازد. به این منظور از معیارهاي خطرپذیري، خط فقر مطلق افزوده و شاخص‌هاي فقر فوستر و هم‌کاران استفاده شد. آمار و اطلاعات مورد نیاز به صورت پیمایشی از 120 خانوار در سه روستاي شهرستان فسا به دست آمد. نتایج حاکی از آن است که 46/66 درصد خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه، داراي کم‌ترین خطرپذیري هستند،40 درصد خانوارها همواره بالاترین سطح خطرپذیري را به خود اختصاص داده‌اند و همیشه در معرض آسیب‌هاي فقر قرار دارند. براي 13/34 درصد باقی‌مانده‌ي خانوارها، فقر یک تهدید بوده و این گروه از خانوارها درعین غیرفقیر بودن، آسیب‌پذیر در برابر فقر هستند. هم‌چنین نتایج بیانگر آن است که، براي نیل به موفقیت کامل در زمینه‌ي رهایی خانوارها از پدیده‌ي فقر، کمک و یاری به آنان باید به میزانی بیش از آن صورت گیرد که آن‌ها را به سطح خط فقر مطلق می‌رساند. از سوي دیگر، با در نظر گرفتن معیار میزان خطرپذیري، تاثیر هر واحد مساعدت به فقرا به میزان قابل ملاحظه‌اي افزایش می‌یابد. نتیجه‌ي دیگر شایان یادآوری آن است که معیار خطرپذیري بر لایه‌هاي درونی فقر اثرگذار است و می‌تواند زمینه را براي کاهش هر چه بیش‌تر و سریع‌تر عمق فقر و ترمیم موثرتر آسیب‌هاي وارده به خانوارها فراهم کند.

طبقه‌بندي JEL: **R0 ،I3 ،D8 ،DI**

واژه‌هاي کلیدي: خطرپذیري، خط فقر مطلق افزوده، آسیب‌پذیري، فقر، فقر روستایی، فسا

* به ترتیب عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی فارس، و دانشیار بخش اقتصاد کشاورزی دانشکده‌ي کشاورزی دانشگاه شیراز

E-mail: bakhshoodeh@gmail.com

مقدمه

در ادبیات فقر بسته به شرایط مکانی و زمانی مختلف، تعریف‌هاي گوناگونی براي فقر ارایه شده است (زاهدي عبقري، 1375؛ رضوي، 1382؛ جعفري‌ثانی و بخشوده، 1387). اما، آن چه از مجموع تعریف‌هاي ارایه شده براي فقر قابل استنباط است آن است که توانایی مالی گروه‌هاي فقیر در تامین مخارج زندگی اندك است (شفیعی و بخشوده، 1384). در سال‌هایی اخیر این دیدگاه در ادبیات فقر مطرح شده است که در تعریف فقر توجه به امنیت تامین کمینه درآمد نیز ضروري است (محمودي و صمیمی‌فر، 1384؛ بانک جهانی، 2001؛ کفیرو و وکیس، 2006). زیرا، وجود ریسک و مخاطره به عنوان منبع نبود اطمینان، افراد فقیر را به سمت انتخاب فعالیت‌هاي با بازده کم‌تر سوق داده است. این افراد بیش‌تر سعی می‌کنند منابع محدود خود را به فعالیت‌هاي با بازده کم‌تر اما داراي سطح اطمینان قابل قبول‌تر از نظر تامین کمینه معاش، اختصاص دهند. این امر نه تنها زمینه را براي بروز و یا تشدید پدیده‌ي فقر فراهم ساخته بلکه توجه به ریسک و مخاطره را در مباحث مربوط به فقر به یک ضرورت تبدیل کرده است (کفیرو و وکیس، 2006).

به طورکلی خانوارها در برابر ریسک‌هاي گوناگونی قرار دارند که می‌توان آن را در سه گروه عمده جاي داد: ریسک‌هاي سطح کلان (مانند جنگ و بحران‌هاي اقتصادي)، ریسک‌هاي طبیعی (مانند زلزله، سیل و دیگر بلایاي طبیعی) و ریسک‌هاي خاص هر خانوار (مانند مواجه شدن با بیماري، از کارافتادگی و از دست دادن سرپرست خانوار)، (بانک جهانی، 2001؛ کفیرو و وکیس، 2006). مجموعه‌ي این ریسک‌ها تاثیر قابل ملاحظه‌اي بر خانوارها، بویژه خانوارهاي فقیر دارد. در این باره آن چه بیش از همه مهم و سرنوشت‌ساز است، نحوه‌ي واکنش خانوارها در پیوند با این گونه ریسک‌ها است که از آن با عنوان "مدیریت استراتژیک ریسک" یاد می‌شود (بانک جهانی، 2001). این استراتژي‌ها به سه دسته جدا می‌شوند: استراتژي‌هاي کاهش احتمال وقوع روي‌داد ریسکی، استراتژي‌هاي کاهش اثرات و پیامدهاي روي‌داد ریسکی در صورت وقوع آن روي‌داد و استراتژي‌هاي حذف اثرات و پیامدهاي روي‌داد ریسکی (بانک جهانی، 2001؛ کوبی و هم‌کاران، 2005).

اعتقاد بر این است که براي مديريت ريسک، فهرست کردن و تلاش براي توجه بـه همـه‌ي ريسک‌هاي موجود، نه امکان‌پذير است و نه نيازي به در نظر گرفتن همه‌ي آن‌ها است. بلکه آن چه در اين زمينه ضروري است، اولويت‌بندي آن دسته از ريسک‌هايی است که از نظر اجتماعی قابل قبول نيستند. تجزيه و تحليل‌هاي فقر و آسيب‌پذيري در برابر آن اشـاره بـر ايـن دارد کـه رسيدن به اين هدف، چندان پيچيده و دشوار نيست (کفيرو و وکيس، 2006). زيرا فقـر از يـک سو به عنوان يکی از مباحث مهم در ادبيات توسـعه مطـرح، و زدودن فقـر از جامعـه يکـی از اهداف اصلی توسعه‌ي اقتصادي است (ميرزاخانی، 1374؛ عـرب‌مـازار و حـسينی‌نـژاد، 1383؛ خالدي و پرمه، 1384؛ نجفی و شوشتريان، 2006) و از سوي ديگر، بحث ريسک در پيونـد بـا فقر، اول تمايل به تمرکز بر اثرات منفی و نامطلوب ريسک دارد که از نظر اجتماعی غيـر قابـل قبول است (کالوو و درکون، 2005؛ کوبی و هـم‌کـاران، 2005). و دوم اصـطلاح "در معـرض ريسک[1]" در پيوند با فقر در مواردي به کار می‌رود که فرد يا خانوار داراي درآمـدي زيـر خـط فقر باشد (کيکيلياس و گازون، 2005). با توجه به اين مـوارد يکـی از مهـم‌تـرين ريـسک‌هـا، ريسک فقير شدن افراد يا باقی ماندن آن‌ها در فقر است که از آن بـا عنـوان "آسـيب‌پـذيري در برابر فقر[2]" ياد می‌شود (کوبی و هم‌کاران، 2005).

روش‌هاي گوناگونی براي اندازه‌گيري آسيب‌پذيري در برابر فقر وجـود دارد. يکـی از ايـن روش‌ها، اسـتفاده از معيـار "خطرپـذيري[3]" اسـت کـه توانـايی تفـسير معمـاي "غيرفقيـر امـا آسيب‌پذير[4]" را نيز دارا بوده و با تلفيق آن در شاخص‌هاي فقر، می‌توان ميزان آسيب‌پـذيري در برابر فقر را تعيين کرد (کفيرو و وکيس، 2006). هم‌چنين بـا اسـتفاده از ايـن معيـار، مـی‌تـوان درجه‌ي اهميت روي‌داد ريسکی، لزوم مقابله بـا آن و ميـزان امکانـات مـالی مـورد نيـاز بـراي محافظت در برابر شرايط ريسکی را نشان داد (بروور و هم‌کاران، 2007).

1-At risk
2-Vulnerability to poverty
3-Risk exposure
4-Non-poor but vulnerable

ایران مانند همه‌ي کشورهاي در حال توسعه‌ي جهان با مساله‌ي فقر و گستردگی این پدیده در جامعه‌ي روستایی روبه‌رو است (داداش‌زاده، 1370؛ معنوي، 1378؛ زاهدي مازندرانی، 1384؛ جعفري ثانی و بخشوده، 1387). در این کشور خانوارهاي روستایی در مقایسه با خانوارهاي شهري در وضعیت نامطلوب‌تري قرار دارند؛ به طوري که، شدت فقر و نابرابري در میان فقرا در مناطق روستایی بیش‌تر از مناطق شهري است (عابدي، 1381؛ محمودي، 1381؛ محمودي، 1382). در ایران، توجه به ریسک در مطالعه‌هاي فقر، به صورت غیرمستقیم و حاشیه‌اي بوده است (میرزاخانی، 1374؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، 1383؛ خالدي و پرمه، 1384؛ رییس‌دانا، 1384؛ زاهدي مازندرانی، 1384؛ جعفري ثانی و بخشوده، 1387). افزون بر آن، مطالعه‌هاي کلان صورت گرفته در زمینه‌ي فقر در جامعه‌ي روستایی ایران، به طور عموم در کلی‌ترین سطوح اطلاعاتی باقی مانده است و نتوانسته‌اند با تعریف مصادیق مشخصی که اغلب فقط از طریق مطالعه‌هاي خرد به دست می‌آید، به استراتژي‌ها و سیاست‌گذاري‌هاي دقیق، هدف‌مند و موفق منجر شوند (زاهدي مازندرانی، 1384). با توجه به مجموع موارد بالا، این مطالعه ریسک را به صورت پررنگ‌تر در مطالعه‌ي فقر و آسیب‌پذیري جامعه‌ي روستایی در برابر فقر در سطح خرد مورد توجه قرار می‌دهد تا از این ره‌گذر گامی در جهت منطقی‌تر کردن تدوین استراتژي‌هاي مناسب و هدف‌مند فقرزدایی بردارد.

از آن جا که، شهرستان فسا یکی از شهرستان‌هاي استان فارس با اقلیم خشک و نیمه‌خشک است که در سال‌هاي اخیر با پدیده‌ي خشک‌سالی روبه‌رو شده است؛ و هم‌چنین بنا به گفته‌ي کارشناسان شدت خشک‌سالی اخیر در چهار دهه‌ي گذشته بی‌سابقه بوده و سبب کاهش درآمد خانوارها، نامناسب شدن وضعیت معیشتی آن‌ها و گسترش فقر در بین خانوارهاي روستایی این شهرستان شده است، این مقاله به صورت موردي بر آسیب‌پذیري در برابر فقر در مناطق روستایی شهرستان فسا تمرکز دارد.

روش تحقیق

براي تفسير معماي غيرفقير اما آسيب‌پذير و نيز تعيين ميزان آسيب‌پذيري در برابر فقر، نخست نياز به برآورد معيار خطرپذيري است. براي تعيين اين معيار روش‌هاي مختلفی وجود دارد. یکی از این روش‌ها، استفاده از متغیرهایی است که بر اساس آن بتوان درجه‌هاي مختلفی از ریسک فقر را بیان کرد (بروور و هم‌کاران، 2007؛ SSDAN، 2008). وضعيت فقر یکی از اين متغيرهاست (بروور و هم‌کاران، 2007؛ SSDAN، 2008). بسته به اين که براي فقر چه وضعيت‌هايی را بتوان در نظر گرفت، می‌توان طيف‌هاي گوناگونی از ميزان خطرپذيري را ارايه کرد (SSDAN، 2008). بر اين اساس و با توجه به اين که تعداد افراد فقير جامعه، در طول زمان، ثابت نيست بلکه بسته به شرايط، اين تعداد تغيير می‌کند، به طوري که در دوره‌هاي مختلف برخی از افراد غيرفقير، فقير و برخی از افراد فقير، غيرفقير می‌شوند؛ کامل‌ترين طيف خطرپذيري آن است که افراد جامعه را به سه وضعيت افراد هميشه فقير، افرادي که برخی مواقع فقر هستند و افراد هميشه غيرفقير جدا کرد. بر اين اساس، يک فرد ممکن است هيچ‌گاه فقير نباشد، در اين صورت ميزان خطرپذيري وي برابر صفر خواهد بود (کمينه‌ي خطرپذيري). يا اين که فرد ممکن است به صورت دوره‌اي فقير باشد در اين صورت ميزان خطرپذيري وي به صورت دامنه‌اي بين صفر و يک ميزان مثبت است (متوسط خطرپذيري). حالت سوم آن است که فرد ممکن است براي هميشه فقير باشد. در اين صورت ميزان خطرپذيري وي همواره مقداري مثبت خواهد بود (بيشينه‌ي خطرپذيري) (چن و پروبرت، 2003؛ SSDAN، 2008).

چنان که ديده می‌شود، شيوه‌ي بالا به رتبه‌بندي معيار خطرپذيري می‌پردازد و اطلاعاتی در مورد ميزان آن ارايه نمی‌کند. براي تعيين ميزان اين معيار می‌توان از روش برآورد هزينه‌ي وقوع فقر استفاده کرد. اين روش مناسب‌ترين شيوه براي تعيين ميران خطرپذيري است. از نظر تيوري، حق بيمه‌ي عادلانه که از طريق ميانگين آماري محاسبه می‌شود، شاخص مناسبی براي اين هزينه است (کفيرو و وکيس، 2006). اما، در مواردي که بازارهاي رسمی بيمه به خوبی توسعه يافته باشند، حق بيمه‌ي بازار می‌تواند نماينده‌ي مناسبی براي حق بيمه‌ي عادلانه باشد.

از آن جا که در بیش‌تر موارد، بویژه در کشورهاي در حال توسعه، بازارهـاي رسـمی بـه طـور مناسب توسعه نیافته‌اند، براي تعیین هزینه‌ي وقوع فقر نیاز به شبیه‌سازي بازار بیمه است. بـراي رسیدن به این هدف، نیاز به تعیین احتمال وقوع فقر و نیز تعیین پیامـدهاي وقـوع ایـن پدیـده است (چن و پروبرت، 2003 کفیرو و وکیس، 2006). با توجه به موارد گفته شده، فرم ریاضـی معیار خطرپذیري به صورت زیـر قابـل ارایـه اسـت (تیلـور، 2002؛ اسـمیث، 2005؛ کفیـرو و وکیس، 2006):

$$RE_i = P_i \times C_i \qquad (1)$$

که در آن RE_i میزان خطرپذیري خانوار iام، P_i احتمال وقـوع فقـر در خـانوار iام و C_i پیامد وقوع فقر براي خانوار iام است. هزینه‌ي ریسکی که به این ترتیـب بـا اسـتفاده از معیـار خطرپذیري تعیین می‌شود، ریسک فقر را به طور کامل تحت پوشش قـرار مـی‌دهـد (کفیـرو و وکیس، 2006).

احتمال وقوع فقر براي هر خانوار با استفاده از تعداد دفعـات فقـر تجربـه شـده توسـط آن خانوار در طول سال به دست آمد. به این ترتیب که نسبت تعداد ماه‌هـایی کـه هـر خـانوار در طول سال فقیر بوده به کل ماه‌هاي سال، احتمال وقوع ریـسک فقـر را بـراي آن خـانوار نـشان می‌دهد. این احتمال با استفاده از روابط ریاضی به صورت زیـر بیـان مـی‌شـود (تیلـور، 2002؛ کاآریک و هم‌کاران، 2002؛ چن و پروبرت، 2003؛ رهم، 2005):

$$P_i = \frac{v_i}{n} \qquad (2)$$

که در آن، P_i احتمال وقوع فقر در خانوار iام، v_i تعداد ماه‌هاي وقوع فقر بـراي خـانوار iام در طول سال و n تعداد ماه‌هاي سال است.

پیامدهاي وقوع فقر در هر خانوار می‌تواند به صورت‌هاي مختلف از قبیل کاهش در میـزان درآمد، از دست دادن موقعیت مناسب و یا تحمیل هزینه بر آن خانوار باشد (تیلور، 2002 چـن و پروبرت، 2003). با این همه، مجموعه‌ي این موارد سرانجام تاثیر خود را به صـورت کـاهش یا از دست دادن درآمد براي آن خانوار نشان می‌دهد. بر این اساس، می‌توان میزان پیامد وقـوع

فقر را براي هر خانوار با استفاده از میزان پایین افتادن درآمد آن خانوار از آستانه‌ي فقر (خط فقر) بیان کرد (چن و پروبرت، 2003).

براي تفسیر معماي غیرفقیر اما آسیب پذیر و تعیین میزان آسیب‌پذیري در برابر فقر نیاز به ادغام معیار خطرپذیري در شاخص‌هاي اندازه‌گیري فقر است. یکی از پیش‌رفته‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌هاي فقر، مجموعه‌ي شاخص‌هاي فقر FGT [1] است. با استفاده از این مجموعه می‌توان شاخص‌هاي نسبت سرشمار[2]، نسبت شکاف فقر[3] و شدت فقر[4] را به دست آورد (عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، 1383؛ زاهدي مازندرانی، 1384؛ داگلاس و هم‌کاران، 2002؛ نجفی و شوشتریان، 2006). فرم کلی مجموعه‌ي شاخص‌هاي فقر FGT به صورت زیر است (داگلاس و هم‌کاران، 2002؛ نجفی و شوشتریان، 2006):

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\left(\frac{Z - x_i}{Z}\right)^{\alpha}, \ \alpha = 0,1,2. \tag{3}$$

که در آن، n تعداد کل خانوارهاي مورد مطالعه، q تعداد خانوارهاي فقیر، Z خط فقر و x_i درآمد خانوار فقیر iام نمونه‌ي مورد مطالعه است. در رابطه‌ي بالا، α پارامتری است که با توجه به مقدار آن می‌توان هر یک از شاخص‌هاي نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر را تعیین کرد. به این ترتیب که چنان چه مقدار پارامتر α برابر صفر، یک و یا دو باشد، به ترتیب شاخص نسبت سرشمار، شاخص نسبت شکاف فقر و شاخص شدت فقر به دست می‌آید. فرم ریاضی هر یک از این شاخص‌ها به صورت زیر است (داگلاس و هم‌کاران، 2002؛ نجفی و شوشتریان، 2006):

$$H = P(0) = \frac{q}{n} \tag{4}$$

$$G = P(1) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\left(\frac{Z - x_i}{Z}\right) \tag{5}$$

1. Foster, Greer and Thorbecke
2. Headcount ratio
3. Poverty gap ratio
4. Severity of poverty

$$S = P(2) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\left(\frac{Z - x_i}{Z}\right)^2 \qquad (6)$$

در روابط بالا H شاخص نسبت سرشمار فقر، G شاخص نسبت شکاف فقر و S شاخص شدت فقر است. متغیرها و پارامترهای دیگر در گذشته تعریف شده‌اند.

براي ادغام معيار خطرپذيري در شاخص‌هاي اندازه‌گيري فقر، تعديل خط فقر مورد استفاده در اين شاخص‌ها با استفاده از اين معيار است. به اين ترتيب كه چنان چه در محاسبه‌ي خط فقر مطلق، افزون بر هزينه‌ي نيازهاي غذايی و غيرغذايی، ميزان خطرپذيري نيز اضافه شود، خط فقر مطلق افزوده (AAPL)[1] به دست خواهد آمد كه ريسک فقر را به طور كامل تحت پوشش قرار می‌دهد. گفتنی است كه بر خلاف خط فقر مطلق كه ميزان آن براي همه‌ي خانوارها يكسان و ثابت است، ميزان خط فقر مطلق افزوده، بسته به ميزان خطرپذيري هر خانوار، می‌تواند از خانواري به خانوار ديگر تغيير كند. فرم كلی شاخص‌هاي فقر FGT با توجه به خط فقر مطلق افزوده به صورت زير است (كفيرو و وكيس، 2006):

$$P_\alpha(x, RE, Z) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\left(\frac{(Z + RE_i) - x_i}{(Z + RE_i)}\right)^\alpha \qquad \alpha = 0,1,2. \qquad (7)$$

كه در آن RE_i ميزان خطرپذيري خانوار iام و $Z + RE_i$ خط فقر مطلق افزوده‌ي خانوار iام است. ديگر متغيرها و پارامترها در قبل تعريف شده‌اند. در اين رابطه نيز مانند رابطه‌ي (3)، چنان چه مقدار پارامتر α برابر صفر، يک و يا دو باشد، به ترتيب شاخص نسبت سرشمار، شاخص نسبت شكاف فقر و شاخص شدت فقر با توجه به خط فقر مطلق افزوده به دست می‌آيد (كفيرو و وكيس، 2006).

تفاوت شاخص‌هاي فقر FGT در دو وضعيت با خط فقر مطلق و با خط فقر مطلق افزوده نشان دهنده‌ي وضعيت آسيب‌پذيري در برابر فقر خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه است كه با توجه به شاخص‌هاي نسبت سرشمار، نسبت شكاف فقر و شدت فقر می‌توان آسيب‌پذيري را از زاويه‌هاي مختلف مورد تجزيه و تحليل قرار داد (كفيرو و وكيس، 2006). گفتنی است كه براي بررسی معنی‌داري آماري اختلاف بين هر يک از شاخص‌هاي ياد شده در وضعيت‌هاي با

1- Augmented absolute poverty line

خط فقر مطلق و یا خط فقر مطلق افزوده، از آزمون آماري t استفاده شد که مناسب‌ترین آزمون مقایسه‌ي میانگین‌ها در دو وضعیت است. در این آزمون از رابطه‌ي زیر استفاده می‌شود (بلالوك، 1972؛ گجراتی، 2005):

$$t = \frac{x_1 - x_2}{\sqrt{\left(s_1^2 / n_1\right) + \left(s_2^2 / n_2\right)}} \qquad (8)$$

که در آن t مقدار آماره‌ي محاسباتی، x_1 و x_2 به ترتیب، میانگین شاخص مورد نظر در دو وضعیت با خط فقر مطلق و با خط فقر مطلق افزوده، s_1 و s_2 به ترتیب، انحراف معیار شاخص مورد نظر در دو وضعیت یادشده، و n_1 و n_2 به ترتیب، تعداد خانوارهاي قرار گرفته در محدوده‌ي فقر با توجه به هر یک از خط‌هاي فقر مطلق و مطلق افزوده است. در این رابطه چنان چه مقدارt محاسباتی از مقدارt بیش‌تر باشد، اختلاف معنی‌دار بین مقدار شاخص فقر محاسبه شده در دو وضعیت با خط فقر مطلق و با خط فقر مطلق افزوده وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، این اختلاف از نظر آماري معنی‌دار نخواهد بود (بلالوك، 1972؛ گجراتی، 2005).

آمار و اطلاعات مورد نیاز در این مطالعه مربوط به سال 1386 است که با استفاده از شیوه‌ي پیمایشی از روستاهاي شهرستان فسا در استان فارس به دست آمد. به این منظور از روش نمونه‌گیري مشابه با روش نمونه‌گیري به کار رفته در مطالعه‌هاي گروتیرت و نارایان (2004) و حیاتی و کرمی (2005) استفاده شد که به ترتیب، به مطالعه‌ي تاثیر سرمایه‌ي اجتماعی بر فقر و رفاه خانوارهاي روستایی در بولیوي و مطالعه‌ي رفتار کشاورزان در زمینه‌ي عوامل ایجاد کننده‌ي فقر در استان فارس پرداخته‌اند. در این مطالعه‌ها براي انتخاب روستاهاي مورد مطالعه از سطح امکانات رفاهی موجود در آن‌ها استفاده شد و در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیري کاملاً تصادفی به انتخاب خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه اقدام شد. به این منظور در این مطالعه نیز نخست امکانات رفاهی اجتماعی موجود در مناطق روستایی این شهرستان مشخص شد. به طور معمول کامل‌ترین سطح امکانات رفاهی اجتماعی در روستاهاي شهرستان فسا را می‌توان شامل داشتن پزشک، داروخانه، خانه‌ي به‌داشت، تحصیلات تا مقطع

پیش‌دانشگاهی دخترانه و پسرانه، پاسگاه انتظامی، بانک، سامانه‌ي حمل و نقل عمومی مناسب، مخابرات و دست‌رسی به انواع مغازه براي تامین مواد غذایی و دیگر نیازمندي‌هاي روزمره در سطح روستا دانست. روستاي فدشکویه همه‌ي امکانات یاد شده را دارا بوده و از تنوع در مغازه‌هاي تامین مواد غذایی، لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها برخوردار است. افزون بر آن، این روستا در مسیر جاده‌ي اصلی بین شهرستان فسا، شهر زاهدشهر و شهرستان جهرم قرار دارد. روستاي یاسریه از بین مجموعه‌ي امکانات بالا، بدون پاسگاه انتظامی، بانک، سامانه‌ي حمل و نقل عمومی مناسب، تحصیلات در مقطع پیش‌دانشگاهی دخترانه و پسرانه و مغازه‌هاي لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها در سطح روستا است. هم‌چنین روستاي یاد شده در مسیر جاده‌ي اصلی بین شهرستآن‌ها قرار ندارد. روستاي کنکان از بین مجموعه‌ي امکانات یاد شده، بدون پرشک، داروخانه، تحصیلات در مقاطع راهنمایی و بالاتر دخترانه و پسرانه، پاسگاه انتظامی، بانک، سامانه‌ي حمل و نقل عمومی مناسب، مغازه‌هاي مناسب براي تامین مواد غذایی، مغازه-هاي لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها در سطح روستا است. هم‌چنین این روستا در مسیر جاده‌ي اصلی بین شهرستآن‌ها قرار ندارد. بر این اساس، روستاي فدشکویه به عنوان نماینده‌ي روستاهاي برخوردار از بیش‌ترین سطح دست‌رسی به این امکانات رفاهی اجتماعی، روستاي کنکان به عنوان نماینده‌ي روستاهاي برخوردار از کم‌ترین سطح دست‌رسی به این امکانات و روستاي یاسریه به عنوان نماینده‌ي روستاهایی که به طور نسبی برخوردار از سطح دست‌رسی به امکانات رفاهی هستند، براي مطالعه انتخاب شدند. در ادامه، در هر یک از این مناطق با استفاده از روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی و به کمک رابطه‌ي زیر حجم نمونه تعیین شد (کالتون، 1990):

$$n = \frac{N\delta^2}{(N-1)(\frac{B^2}{4}) + \delta^2} \qquad (9)$$

در این رابطه، n حجم نمونه‌ي مورد مطالعه، N تعداد خانوارهاي موجود در هر یک از روستاهاي منتخب، δ^2 واریانس وضعیت مالی خانوارها در هر یک از روستاهاي منتخب است

که به دلیل در اختیار نبودن اطلاعات مربوط به آن، از رابطه‌ي (7) به تعیین تقریب آن اقدام شد (کالتون، 1990):

$$\delta^2 \cong \left(\frac{\mathrm{Max}_{\mathrm{yield}} - \mathrm{Min}_{\mathrm{yield}}}{4}\right)^2 \qquad (10)$$

هم‌چنین، B خطاي اندازه‌گیری است که 10 درصد در نظر گرفته شد. به این ترتیب، با استفاده از رابطه‌ي بالا، 120 پرسش‌نامه از خانوارهاي این سه روستا از طریق انجام مصاحبه، تکمیل شد و مورد استفاده قرار گرفت. گفتنی است که با توجه به نیاز به آمار و اطلاعات در مقاطع مختلف زمانی براي محاسبه‌ي معیار خطرپذیري از یک سو و از سوي دیگر براي گریز از مشکلات مربوط به داده‌هاي سري زمانی و نیز هزینه‌بر بودن افزایش طول دوره‌ي مطالعه، آمار و اطلاعات یک سال (1386) در چهار مقطع زمانی جمع‌آوري شد.

هم‌چنین، در این مطالعه از خط فقر محاسبه شده به وسیله‌ي نجفی و شوشتریان (2006) در مناطق روستایی استان فارس استفاده شد. ایشان براي برآورد خط فقر مطلقی که نیازهای اساسی و اولیه زندگی را فراهم سازد، نخست به برآورد کمینه مخارج غذایی لازم برای یک زندگی در وضعیت سلامت که به خط فقر غذایی پرداخته و در ادامه، کمینه مخارج غیرخوراکی لازم براي تعیین خط فقر غیرغذایی را به دست آورده و با خط فقر غذایی جمع کرده و به این ترتیب، خط فقر کل را محاسبه کرده است. گفتنی است که با توجه به متفاوت بودن نیازهاي افراد بر اساس سن و جنس، در هر یک از مراحل بالا میزان خطوط فقر غذایی و غیرغذایی تعدیل شده و خط فقر مطلق به ازاي هر فرد بالغ به دست آمده است. بر این اساس، میزان خط فقر مطلق براي سال 1386 در مناطق روستایی استان فارس به ازاي هر فرد بالغ در هر ماه 495680/6 ریال برآورد شده است.

نتایج و بحث

- معیار خطرپذیري خانوارها

جدول (1) سطوح معیار خطرپذیري خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه را با توجه بـه طیـف فقر نشان می‌دهد. بر این اساس، 53/34 درصد خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه فشار فقر را بر زندگی خود احساس کرده‌اند و از آن رنج می‌برند. این خانوارها بسته به وضـعیت وقـوع فقـر، سطوح مختلفی از خطرپـذیري را از خـود بـروز مـی‌دهنـد؛ بـه طـوري کـه بـراي 40 درصـد خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه، فقر در زندگی موضـوعی قطعـی و دایمـی بـوده و آن‌هـا در معرض آسیب‌هاي مستقیم آن قرار دارند. این خانوارها همواره بالاترین رتبـه‌ي خطرپـذیري را به خود اختصاص می‌دهند. براي 13/34 درصد خانوارهاي نمونـه‌ي مـورد مطالعـه، فقـر یـک تهدید بوده و فقط در برخی مواقع سال آن را تجربه می‌کنند. هرچند این گروه از خانوارهـا، در پاره‌اي از مقاطع زمانی فقیر نیستند، اما به دلیل تجربه کردن آن در زمآن‌هاي دیگر، در برابر فقر آسیب‌پذیر هستند. به این ترتیب، این موضوع تفسیري بر معماي غیرفقیـر امـا آسـیب‌پـذیر در برابر فقر است. با توجه به موارد یادشده، سطح خطرپذیري براي این گروه در رتبه‌اي پـایین‌تـر از سطح خطرپذیري خانوارهاي همیشه فقیـر قـرار دارد. از سـوي دیگـر، در بـین خانوارهـاي نمونه‌ي مورد مطالعه، 46/66 درصد خانوارها هیچ‌گاه فشار فقـر را بـر زنـدگی خـود احـساس نکرده‌اند و فقر را تهدیدي براي خود نمی‌دانند. بر این اساس، این گروه از خانوارها پایین‌تـرین رتبه‌ي خطرپذیري را به خود اختصاص می‌دهند. با توجه به مجموعه‌ي مـوارد بـالا، هـر چنـد بیش از نیمی از خانوارهاي مورد مطالعه، پدیده‌ي فقر را در زندگی خود تجربـه کـرده‌انـد، امـا خانوارهایی که دارای کم‌ترین خطرپذیري بوده‌اند، بیش‌ترین سهم را در نمونه‌ي مـورد مطالعـه به خود اختصاص داده‌انـد. پـس از آن بـه ترتیـب، خانوارهـاي بـا سـطوح بیـشینه و متوسـط خطرپذیري قرار گرفته‌اند.

جدول (1). معیار خطرپذیري و احتمال فقیر شدن خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه بر اساس طیف فقر در طول سال

طیف فقر	احتمال فقیر شدن (درصد)	تعداد خانوارها	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	رتبه‌ي خطرپذیري
همیشه فقیر	100	48	40/00	40/00	بیشینه
برخی مواقع فقیر	75	8	6/67	46/67	متوسط
	50	8	6/67	53/34	
	25	0	0	53/34	
همیشه غیرفقیر	0	56	46/66	100/00	کمینه
جمع کل	---	120	100	---	---

ماخذ: یافته‌هاي تحقیق

- احتمال و پیامد فقیر شدن خانوارها

جدول (1) طیف فقر را با توجه به احتمال فقیر شدن خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان گونه که دیده می‌شود، این احتمال دامنه‌اي بین صفر تا 100 را زیر پوشش قرار داده است. احتمال صفر بیش‌ترین سهم را در نمونه‌ي مورد مطالعه به خود اختصاص داده است و پس از آن مقدار احتمال 100 درصد قرار دارد. پس می‌توان دریافت که بخش غالب توزیع فراوانی خانوارهاي نمونه در مقادیر انتهایی احتمال فقیر شدن قرار داشته‌اند (86/66 درصد) و سهم اندکی از خانوارهاي نمونه (13/34 درصد) در مقادیر میانی احتمال فقیر شدن قرار دارند. بر این اساس توزیع فراوانی خانوارها بین مقادیر مختلف احتمال فقیر شدن، توزیعی نابرابر و نامتقارن است که به نوعی منعکس کننده‌ي نامناسب بودن توزیع زیرساخت‌هاي تامین درآمد و نیز نامناسب بودن توزیع درآمد و سیاست‌هاي موثر بر آن است؛ به گونه‌اي که نزدیک به نیمی (46/66 درصد) از خانوارها از نظر کسب درآمد در وضعیتی قرار دارند که موضوعی به نام فقر براي آن‌ها وجود خارجی ندارد (احتمال فقیر شدن برابر صفر) و در مقابل 40 درصد خانوارهاي نمونه از نظر کسب درآمد در وضعیتی قرار گرفته‌اند که فقر براي آنان موضوعی حتمی و قطعی است.

جدول (2). میزان پیامد فقر و میزان خطرپذیري به ازاي معادل هر فـرد بـالغ در سـطوح مختلـف احتمال فقیر شدن خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه (هزار ریال)

طیف فقر	احتمال فقیر شدن (درصد)	میانگین پیامد فقر	میانگین میزان خطرپذیري
همیشه فقیر	100	200/39	200/39
برخی مواقع فقیر	75	47/06	35/30
	50	21/03	10/52
	25	0	0
همیشه غیرفقیر	0	0	0
کل نمونه	---	84/69	83/21

ماخذ: یافته‌هاي تحقیق

اطلاعات جدول (2) با عمق بیش‌تري به تشریح وضعیت نامناسب توزیع درآمـد خانوارهـا بر اساس میزان پیامد فقر پرداخته است. بر اساس اطلاعـات جـدول (2)، خانوارهـاي واقـع در مقادیر انتهایی احتمال فقیر شدن- که بر اساس اطلاعات جدول (1) بیش از 85 درصـد توزیـع فراوانی خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند- از نظر میزان پیامـد فقـر تحمیل شده بر آنان، بسیار متفاوت هستند. به طوري که خانوارهاي با احتمال بالاي فقـر، فقـط قرار گرفتن در فقر را تجربه نمی‌کنند بلکه ایـن خانوارهـا بـه طـور میـانگین نـسبت بـه سـایر خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه، مقادیر بیش‌تري از پیامد فقر را نیز متحمـل مـی‌شـوند. بـراي نمونه، خانوارهایی که بیش‌ترین احتمال فقیر شدن (100 درصد) را دارا هستند، به طور متوسط متوجه بیش‌ترین پیامد فقر (200/39 هزار ریال به ازاي معادل هر فرد بالغ خانوار) نیـز بـوده و به تدریج با کاهش احتمال فقیر شدن خانوارها، از میـزان پیامـد فقـر نیـز در بـین آنـان کاسـته می‌شود. افزون بر آن با تغییر سطح احتمال، میزان تغییر در پیامد فقر بسیار زیاد و نابرابر اسـت. با تغییر احتمال فقیر شدن خانوارها از 100 درصد به 75 درصد، میـزان پیامـد بـیش از 4 برابـر کاهش و با تغییر این احتمال از 75 درصد به 50 درصد، میزان پیامـد بـیش از 2 برابـر کـاهش نشان می‌دهد. بروز چنین پیامدهایی و تغییرات آن به موازات تغییر احتمال فقیر شدن خانوارهـا حاکی از شدت توزیع نابرابر درآمد در خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه است؛ بـه گونـه‌اي کـه

46/66 درصد خانوارها، هیچ پیامد فقري متوجه آن‌ها نبوده، اما 40 درصد خانوارها بیش‌ترین پیامد فقر را در نمونه‌ي مورد مطالعه متحمل می‌شوند.

- میزان خطرپذیري در خانوارها

در ادامه با داشتن مقادیر احتمال فقیر شدن و نیز میزان پیامد فقر هر یک از خانوارها می‌توان میزان خطرپذیري آنان را به دست آورد. بخشی از جدول (2) اطلاعات مربوط به میزان خطرپذیري را در هر یک از مقادیر احتمال فقیر شدن خانوارها نشان می‌دهد. همان گونه که دیده می‌شود، خانوارهاي همیشه فقیر در نامناسب‌ترین وضعیت از نظر میزان خطرپذیري (بیش‌ترین میزان خطرپذیري) قرار دارند. این خانوارها به دلیل قرار گرفتن در متن فقر بیش‌ترین هزینه‌ي فقر را می‌پردازند. این هزینه به طور میانگین به ازاي معادل هر فرد بالغ خانوار برابر 200/39 هزار ریال است. چنان چه بخواهیم مساله‌ي فقر در نمونه‌ي مورد مطالعه به طور کامل ریشه‌کن شود، افزون بر رساندن خانوارها به سطح آستانه‌ي فقر، باید به تحت پوشش قرار دادن ریسک خانوارها بر اساس میزان خطرپذیري آنان توجه شود. این میزان در کل نمونه‌ي مورد مطالعه به طور میانگین برابر 83/21 هزار ریال به ازاي معادل هر فرد بالغ خانوار است. از طرف دیگر، چنان چه براي از بین رفتن ریسک فقر آنان به هر گروه برابر با میزان خطرپذیري‌شان پرداخت شود، با توجه به اطلاعات جدول (2) ملاحظه می‌شود که به خانوارهاي همیشه فقیر بیش از خانوارهاي غالباً فقیر (75 درصد موارد) و به خانوارهاي غالباً فقیر بیش از خانوارهایی که در نیمی از مواقع سال فقیر (50 درصد موارد) هستند، باید پرداخت شود. هم‌چنین به خانوارهاي همیشه غیرفقیر، هیچ‌گونه پرداختی نباید صورت پذیرد. در صورت اجراي چنین رویه‌اي از پرداخت‌ها، افزون بر آن که فقر به طور کامل ریشه‌کن خواهد شد، توزیع درآمد نیز متعادل‌تر خواهد شد.

این نکته باید یادآوری شود که بر اساس اطلاعات جدول (2)، در خانوارهایی که فقر، یک حتمیت در زندگی آن‌هاست، مقادیر خطرپذیري و پیامد فقر برابر است. این برابري، در مورد خانوارهایی که فقر براي آن‌ها موضوعیت ندارد نیز مصداق دارد. فقط در مورد درصد کمی از خانوارهاي مورد مطالعه (13/34 درصد) که فقر براي آن‌ها یک تهدید است، مقادیر

خطرپذيري، متفاوت از ميزان پيامد فقر است. بر اين اساس در مورد گروه اخير خانوارها، می‌توان با استفاده از صنعت بيمه، نسبت به بيمه کردن آن‌ها در برابر آسيب فقر اقدام کرد، اما براي کاهش فقر در خانوارهاي همیشه فقير و نيز براي پيش‌گيري از قرار گرفتن خانوارهاي همیشه غيرفقير در گروه خانوارهاي غيرفقير اما آسيب‌پذير از فقر، بايد تدابير ديگري انديشيد.

- خط فقر مطلق افزوده

براي تفسير معماي غيرفقير اما آسيب‌پذير و تعيين ميزان آسيب‌پذيري در برابر فقر نياز به ادغام معيار خطرپذيري در شاخص‌هاي اندازه‌گيري فقر و به بيان دقيق‌تر اضافه کردن ميزان خطرپذيري به خط فقر مطلق است. خط فقر جديد که خط فقر مطلق افزوده نامیده می‌شود، ريسک فقر را به طور کامل تحت پوشش قرار می‌دهد. جدول (3) ميزان خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده را در خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه با توجه به سطوح مختلف احتمال فقير شدن خانوارها نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات اين جدول، ملاحظه می‌شود که بر خلاف خط فقر مطلق که در بين کليه‌ي خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه مقداري يکسان و ثابت است (495/68 هزار ريال)، خط فقر جديد بسته به وضعيت فقر خانوارها، از خانواري به خانوار ديگر تغيير می‌کند. به اين ترتيب که در مجموع، هر چه احتمال فقر خانوارها افزايش يابد ميزان خط فقر مطلق افزوده‌ي آنان نيز بيش‌تر است؛ به طوري که خانوارهاي همیشه فقير، داراي بالاترين ميزان خط فقر مطلق افزوده هستند.

جدول (3). ميزان خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده در خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه (هزار ريال)

طيف فقر	احتمال فقير شدن (درصد)	ميانگين خط فقر مطلق	ميانگين خط فقر مطلق افزوده
همیشه فقير	100	495/68	696/07
برخی مواقع فقير	75	495/68	530/98
	50	495/68	506/20
	25	495/68	495/68
همیشه غيرفقير	0	495/68	495/68
کل نمونه	---	495/68	578/89

ماخذ: يافته‌هاي تحقيق

جدول (4). شاخص نسبت سرشمار در خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه بر اساس خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده

وضعیت فقر	بر اساس خط فقر مطلق		بر اساس خط فقر مطلق افزوده	
	تعداد خانوارها	درصد فراوانی	تعداد خانوارها	درصد فراوانی
فقیر	58	48/33	59	49/20
غیرفقیر	62	51/67	61	50/80
جمع	120	100	120	100

ماخذ: یافته‌هاي تحقیق

- شاخص‌هاي فقر با توجه و بدون توجه به میزان خطرپذیري

در ادامه به بررسی تاثیر میزان خطرپذیري بر شاخص‌هاي نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر مبادرت شده است. جدول (4) نسبت سرشمار فقر را در نمونه‌ي مورد مطالعه در دو وضعیت با و بدون لحاظ کردن میزان خطرپذیري (خط فقر مطلق افزوده و خط فقر مطلق) نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول (4) با اعمال خط فقر مطلق افزوده بر تعداد خانوارهاي فقیر نمونه‌ي مورد مطالعه افزوده و از تعداد افراد غیرفقیر کاسته شده است. اما این تغییر، بسیار اندك (کم‌تر از یک درصد خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه) بوده است. بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که استفاده از معیار خطرپذیري، بر لایه‌ي سطحی فقر تاثیر ناچیزي بر جاي می‌گذارد. اما همین تاثیر ناچیز به گونه‌اي است که برخی از خانوارهاي غیرفقیر اما آسیب‌پذیر از فقر را در گروه فقرا قرار داده است. این در حالی است که در محاسبه‌ي نسبت سرشمار فقر بدون توجه به معیار خطرپذیري، این گونه خانوارها، در گروه غیرفقرا دسته‌بندي می‌شوند. در وضعیت اخیر، این خانوارها در برنامه‌هاي فقرزدایی مورد توجه قرار نخواهند گرفت. توجه نکردن به چنین خانوارهایی که به صورت موردي در معرض آسیب‌هاي جدي فقر قرار دارند موجب می‌شود که این خانوارها در گذر زمان، در گروه خانوارهاي همیشه فقیر قرار گیرند. هرچند برنامه‌هاي فقرزدایی، گروهی از خانوارهاي فقیر را از فقر رها می‌سازد، اما به دلیل ضعف این برنامه‌ها در توجه به خانوارهاي غیرفقیر اما در

معرض آسیب‌هاي جدي فقر، همواره گروه دیگري از خانوارها جایگزین خانوارهاي رها شده از فقر خواهند شد. به این ترتیب نمی‌توان موفقیت چندانی را براي برنامه‌هاي فقرزدایی انتظار داشت. بر این اساس، برای رسیدن به موفقیت هر چه بیش‌تر در برنامه‌هاي فقرزدایی، توجه به معیار خطرپذیري ضروري به نظر می‌رسد.

در جدول (5) شاخص نسبت شکاف فقر محاسبه شده براي خانوارهاي نمونه‌ي مورد مطالعه بر اساس خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده ارایه شده است. بر اساس اطلاعات جدول (5) با استفاده از خط فقر مطلق افزوده به جاي خط فقر مطلق، میزان نسبت شکاف فقر در نمونه‌ي مورد مطالعه، افزایش یافته و از 0/35 به 0/47 رسیده است. این تغییر در نسبت شکاف فقر از نظر آماري نیز در سطح کم‌تر از یک درصد معنی‌دار است. پس استفاده از معیار خطرپذیري، افزایش شاخص نسبت شکاف فقر را به همراه دارد. بر این اساس، با در نظر گرفتن ریسک فقر، براي رهایی کامل از فقر، حمایت از فقرا باید به گونه‌اي باشد که نه تنها آنان را فقر رهایی دهد بلکه باید ریسک فقر آنان را نیز تحت پوشش قرار دهد. به بیان دیگر، چنان چه حمایت از فقرا در برنامه‌هاي فقرزدایی به اندازه‌ي رسانیدن آنان به آستانه‌ي فقر باشد، این خانوارها از آسیب‌هاي ناشی از ریسک فقر در امان نبوده و ممکن است دوباره در دام فقر گرفتار شوند. توجه به معیار خطرپذیري در برنامه‌هاي فقرزدایی، نه تنها از ورود خانوارهاي غیرفقیر در معرض آسیب‌هاي جدي فقر به حیطه‌ي فقر جلوگیري می‌کند، بلکه خروج خانوارهاي فقیر از دام فقر را تضمین می‌کند. مراجعه به اطلاعات جدول (5) نشان می‌دهد که میانگین میزان مساعدت به خانوارهاي فقیر به ازاي معادل هر فرد بالغ در نمونه‌ي مورد مطالعه، در صورت توجه نکردن به میزان خطرپذیري برابر 175/23 هزار ریال است که این میزان از مساعدت، فقط خانوارها را به آستانه‌ي فقر می‌رساند. اما میزان مساعدت مورد نیاز براي رهایی کامل خانوار از فقر و ریسک آن، 345/44 هزار ریال به ازاي معادل هر فرد بالغ است. مقدار 170/21 هزار ریال مساعدت اضافی به ازاي معادل هر فرد بالغ خانوار، از نظر آماري معنی‌دار بوده و ریسک فقر خانوارها را تحت پوشش قرار می‌دهد.

جدول (5). شاخص نسبت شکاف فقر، شاخص شدت فقر و میانگین مساعدت براي خروج از فقر به ازاي معادل هر فرد بالغ در نمونه‌ي مورد مطالعه

مورد	بر اساس خط فقر مطلق	بر اساس خط فقر مطلق افزوده	اختلاف بین دو حالت
شاخص نسبت شکاف فقر	0/35	0/47	0/12*** (14/47)(1)
میزان مساعدت (هزار ریال)	175/23	345/44	170/21*** (10/46)
شاخص شدت فقر	0/19	0/30	0/11*** (10/21)

ماخذ: یافته‌هاي تحقیق ***: معنی‌دار در سطح کم‌تر از یک درصد (1): مقدار محاسباتی آماره‌ي t

چنان چه دیده می‌شود، شاخص نسبت شکاف فقر اظهار نظري در زمینه‌ي شدت تـاثیر هـر واحد مساعدت به فقرا بر روند خروج آنان از فقر نمی‌کند بلکه فقط میزان مساعدت لازم براي خروج از دام فقر را نشان می‌دهد. براین اساس، در ادامه به بررسی شاخص شدت فقر مبادرت شد. جدول (5) شاخص شدت فقر محاسبه شده را براي خانوارهاي نمونه‌ي مـورد مطالعـه بـر اساس خط فقر مطلق و خط فقر مطلق افزوده ارایه کرده است. بر اساس اطلاعات یاد شـده بـا استفاده از خط فقر مطلق افزوده به جاي خط فقر مطلق، میزان شاخص شدت فقـر در نمونـه‌ي مورد مطالعه، افزایش یافته و از 0/19 به 0/30 رسیده است. این تغییر در شاخص شدت فقـر از نظر آماري نیز در سطح کم‌تر از یک درصد معنی‌دار اسـت. بـه ایـن ترتیـب اسـتفاده از معیـار خطرپذیري، بر روي این شاخص اثري مشابه با اثري که بر روي شاخص‌هاي نسبت سرشـمار و نسبت شکاف فقر از خود بر جاي گذاشته و موجب افزایش شاخص شدت فقر شـده اسـت. در عین حال، ریسک فقر بیش از آن چه بر نسبت سرشمار فقر اثرگذار بوده بر لایه‌هاي درونی فقر در قالب شاخص‌هاي نسبت شکاف فقر و شدت فقر تاثیر گذاشـته اسـت؛ بـه طـوري کـه میزان شاخص نسبت شکاف فقر و نیز شاخص شدت فقر در نمونه‌ي مـورد مطالعـه بـه طـور چشم‌گیري افزایش یافته است. از سوي دیگر با توجه به شاخص شـدت فقـر مـی‌تـوان چنـین

استنباط کرد که با در نظر گرفتن ریسک فقر، میزان تاثیر هر واحد مساعدت بـه فقـرا در قالـب برنامه‌هاي فقرزدایی براي رهایی آنان از فقر، بسیار چشم‌گیرتر از حـالتی خواهـد بـود کـه بـه ریسک فقر توجه نشود. بر این اساس، توجه به معیار خطرپذیري موجب ملموس و ارزشمندتر شدن برنامه‌هاي فقرزدایی خواهد شد.

نتیجه‌گیري و پیش‌نهادها

در یک جمع‌بندي می‌توان چنین استنباط کرد که استفاده از معیـار خطریـذیري، بـر لایـه‌ي سطحی فقر تاثیر ناچیزي بر جاي می‌گذارد، به طوري کـه موجـب افـزایش بـسیار نـاچیزي در شاخص نسبت سرشمار فقر شده است. اما ریسک فقر بیش از آن چه بر نـسبت سرشـمار فقـر اثرگذار باشد، بر لایه‌هاي درونی فقر در قالب شاخص‌هاي نـسبت شـکاف فقـر و شـدت فقـر تاثیرگذار است؛ به گونه‌ای که میزان شاخص نسبت شکاف فقر و نیز شـاخص شـدت فقـر در نمونه‌ي مورد مطالعه به طور چشم‌گیري افزایش یافته است. افزون بر آن هر چنـد برنامـه‌هـاي فقرزدایی، گروهی از خانوارهاي فقیر را از فقر رها می‌سازد، اما به دلیل ضعف این برنامه‌هـا در توجه به خانوارهاي غیرفقیر اما در معرض آسیب‌هـاي جـدي فقـر، همـواره گـروه دیگـري از خانوارها جایگزین خانوارهاي رها شده از فقر خواهند شد. به این ترتیـب نمـی‌تـوان موفقیـت چندانی را براي برنامه‌هاي فقرزدایی انتظار داشت. بر این اساس، برای رسیدن به موفقیـت هـر چه بیش‌تر در برنامه‌هاي فقرزدایی، توجه به معیار خطرپذیري ضروري به نظر می‌رسد. به بیـان دیگر، چنان چه بخواهیم مشکل فقر به طور کامل ریشه‌کن شود، افزون بر رساندن خانوارها بـه سطح آستانه‌ي فقر، باید به تحت پوشش قـرار دادن ریـسک فقـر خانوارهـا بـر اسـاس میـزان خطرپذیري آنان توجه شود. توجه به معیار خطرپذیري در برنامه‌هاي فقرزدایی، نه تنها از ورود خانوارهاي غیرفقیر در معرض آسیب‌هاي جدي فقر به حیطه‌ي فقر جلـوگیري مـی‌کنـد، بلکـه خروج خانوارهاي فقیر از دام فقر را تضمین می‌کند. توجه به این معیار موجـب شناسـایی هـر چه به‌تر گروه‌هاي هدف شده و نیل به موفقیت هرچه بیش‌تر برنامـه‌هـاي فقرزدایـی و کـاراتر شدن آن‌ها را تضمین می‌کند.

افزون بر آن، با در نظر گرفتن معیار خطرپذیري، میزان تاثیر هر واحد مساعدت بـه فقـرا در قالب برنامه‌هاي فقرزدایی براي رهایی آنان از فقر، بسیار چشم‌گیرتر از حالتی خواهد بود که به ریسک فقر توجه نشود. بر این اساس به طور اکید توصـیه مـی‌شـود در برنامـه‌هـاي توسـعه‌ي اقتصادي- اجتماعی، بویژه در برنامه‌هاي فقرزدایی، ریسک فقر مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به این که در مورد خانوارهاي غیرفقیر اما آسیب‌پذیر از فقر، فقر یک تهدید اسـت، می‌توان با استفاده از صنعت بیمه، نسبت به تحت پوشش قـرار دادن ریـسک فقـر خانوارهـا و بیمه کردن آن‌ها در برابر آسیب فقر اقدام کرد. اما براي کاهش فقر در خانوارهاي همیـشه فقیـر و نیز براي پیش‌گیري از قرار گرفتن خانوارهاي همیشه غیرفقیر در گـروه خانوارهـاي غیرفقیـر اما آسیب پذیر از فقر، باید تدابیر دیگري اندیـشید. نمونـه‌ي چنـین تـدابیري مـی‌توانـد تعیـین کمینه‌ي سطح دست‌مزد بر اساس مجموع میزان آسـتانه‌ي فقـر و بیـشینه‌ي میـزان خطریـذیري باشد.

منابع

جعفري‌ثانی، م. و بخشوده، م. (1387). بررسی توزیع زمانی و مکانی فقـر و نـاامنی غـذایی در ایران. فصل‌نامه‌ي اقتصاد کشاورزي و توسعه، 61: 124-103.

خالدي، ك. و پرمـه، ز. (1384). بررسـی وضـعیت فقـر در منـاطق شـهري و روسـتایی ایـران (1382-1375). فصل‌نامه‌ي اقتصاد کشاورزي و توسعه، 49: 81-57.

داداش‌زاده، ن. (1370). بررسی ریشه‌هاي فقـر در ایـران. پایـان‌نامـه‌ي دکتـراي اقتـصاد نظـري دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

رضوي، ح. (1382). روستا، فقر و توسعه: روش‌هاي مقابله با فقر روستایی (تجارب کشورهاي آسیایی). جلد دوم، انتشارات روستا و توسعه، تهران.

رئیس‌دانا، ف. (1384). اندازه‌گیري شاخص و پوشش فقر در ایران. فصل‌نامه‌ي رفاه اجتمـاعی، 4: 89-57.

زاهدي عبقري، ا. (1375). سياست‌هاي حمايتی و راه‌هاي مقابله با فقر روستايی، مجموعه مقالات گردهمايی بررسی مساله‌ي فقر و فقرزدايی. جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

زاهدي مازندرانی، م. ج. (1384). فقر روستايی، روند و اندازه‌گيري آن در ايران. فصل‌نامه‌ي رفاه اجتماعی، 4: 326-289.

شفيعی، ح. و بخشوده، م. (1384). بررسی ويژگی‌هاي گروه‌هاي فقر و تعيين درصد افراد زير خط فقر در مناطق روستايی: مطالعه‌ي موردي استان سيستان و بلوچستان. پنجمين کنفرانس اقتصاد کشاورزي و توسعه، زاهدان.

عابدي، ع. (1381). اندازه‌گيري و تحليل خط فقر و توزيع درآمد در استان آذربايجان شرقی. سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان آذربايجان شرقی، گروه مطالعات اقتصادي، تبريز.

عرب‌مازار، ع. و حسينی‌نژاد، س. م. (1383). برآورد ميزان فقر و شدت آن در گروه‌هاي مختلف شغلی خانوارهاي روستايی ايران. فصل‌نامه‌ي اقتصاد کشاورزي و توسعه، 45: 140-113.

محمودي، و. (1381). اندازه گيري فقر در ايران. فصل‌نامه‌ي پژوهش‌نامه‌ي بازرگانی، 24: 57-27.

محمودي، و. (1382). تجزيه‌ي فقر بر حسب خصوصيات اقتصادي اجتماعی خانوارها و مناطق جغرافيايی در ايران. فصل‌نامه‌ي پژوهش‌ها و سياست‌هاي اقتصادي، 25: 52-29.

محمودي، و. و صميمی‌فر، س. ق. (1384). فقر قابليتی. فصل‌نامه‌ي رفاه اجتماعی، 4: 31-9.

معنوي، م. (1378). تحليل و بررسی فقر (مطلق و ذهنی) در استان کردستان. پايان‌نامه‌ي کارشناسی ارشد اقتصاد نظري، دانشکده‌ي علوم اقتصادي و سياسی، دانشگاه شهيد بهشتی، تهران.

ميرزاخانی، م. (1374). بررسی روند فقر روستايی در جامعه‌ي روستايی ايران. پايان‌نامه‌ي کارشناسی ارشد اقتصاد نظري، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

Blalock, H. M. (1972). Social statistics, New York, Tata McGraw-Hill.

Brouwer, R., Akter, S., Brander, L. and Haque, E. (2007). Socio-Economic Vulnerability and Adaptation to Environmental Risk: A Case Study of Climate Change and Flooding in Bangladesh, *Risk Analysis*, 27: 313-326.

Cafiero, C. and Vakis, R. (2006). Risk and vulnerability considerations in poverty analysis: Recent advances and future directions, Social Protection Discussion Paper, No. 0610, The World Bank, Washington D. C.

Calvo, C. and Dercon, S. (2005). Measuring individual vulnerability. Department of Economics, University of Oxford, United Kingdom.

Chen, Y. and Probert, R. (2003). A risk based regression test selection strategy, Fast Abstract ISSRE, Chillarege Press.

Duclos, J. Y., Araar, A. and Fortin, C. (2002). DAD: Distributive Alalysis/Analyse Distributive user`s manual, Department deconomique, Universite Laval, Quebec, Canada.

Grootaert, C. and Narayan, D. (2004). Local institutions, poverty and household welfare in Bolivia, *World Development*, 32: 1179–1198.

Gujarati. D. N. (2005) Basic econometrics, Fourth Edition, New Delhi, Tata McGraw-Hill.

Hayati, D. and Karami, E. (2005). Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers, *Journal of Economic Psychology*, 26: 884–901.

Kaarik, E., Tiit, E. M. and Vahi, M. (2002). MCMC model for estimation of poverty risk factors using household budget data, Institute of Mathematical Statistics, University of Tartu, Estonia.

Kalton. G. (1990) Introduction to survey sampling. Sage publication, Inc., USA.

Kikilias, E. and Gazon, E. (2005). Regional aspect of poverty in Greece, Social Cohesion Bulletin, National Center for Social Research, Athens, Greece.

Kubi, K. A., Oduro, A. D. and Senadza, B. (2005). Understanding poverty in Ghana: Risk and vulnerability, ISSER, University of Ghana.

Najafi, B. and Shooshtarian, A. (2006). Determinants of Poverty for Rural and Urban Households in Iran, 13th Annual Conference Economic Research Forum, Kuwait.

Rehm, P. (2005). Support for the welfare state: How income and risk shape redistributional preferences, Comparative Political Economy Workshop, Harvard University.

Smith, J. L. (2005). Supporting collaborative design through risk analysis: Benefits of calculated risk in the design of interactive systems, Faculty of the Virginia, Virginia.

SSDAN. (2008). Module 2: Cohabitation and divorce, The Social Science Data Analysis Network, http://www.ssdan.net.

Taylor, L. (2002). Security scanning is not risk analysis, *Internet Journal*, Jupitermedia Corporation, http://www.internetjournal.com.

The World Bank. (2001). Attacking Poverty, World Development Report 2000/2001, Published For the World Bank, Oxford University Press.